

شهروندی اجتماعی و فعالیت سازمان‌های غیردولتی

مهرناز عطاران*، زهره دودانگه**

مقدمه

مروری بر آثار منتشرشده در حوزه شهروندی در چند دهه اخیر نشان‌دهنده نقدهایی است که علاوه بر مفاهیم بنیانی، میزان برخورداری گروه‌های اجتماعی گوناگون از این حقوق را به چالش کشیده است. یکی از گروه‌هایی که غالباً ناقد حقوق و وظایف شهروندی بوده و آن را زمینه‌ساز تجربه نابرابری‌ها تلقی کرده‌اند، پژوهشگران و فعالان حوزه جنسیت هستند (Walby 1994, Orloff 1993). محور نقدهای این گروه بی‌توجهی نظریه‌های شهروندی نسبت به تفاوت‌ها و تبعیض‌های جنسیتی است (Fraser and Gordon 1992).

امروزه در بسیاری از جوامع بر بهره‌مندی زنان و مردان از حقوق شهروندی تأکید می‌شود، اما نباید از نظر دور داشت که از طرفی برابری‌های به دست آمده نسبی است و در همه جوامع نیز حاصل نشده است و چه بسا در بسیاری از جوامع زنان همچنان از حقوق شهروندی مدنی، سیاسی و اجتماعی محروم باشند. از طرف دیگر، ضرورت تأمین حقوق اعطاشده و پاسخگویی به مطالبات برابری‌خواهانه زنان از حقوق شهروندی بر مسئولیت دولت‌ها در قبال مردم - زنان و مردان - افزوده است.

در شرایط کنونی، با روند فزاینده مهاجرت‌های اجباری از کشوری به کشور دیگر به دلیل جنگ و ناامنی، و مهاجرت‌های داخلی کشورها از روستاها به شهرهای بزرگ غالباً به دلیل شرایط بد اقتصادی، و در شرایطی که مهاجرت‌های اختیاری با دسترسی به اطلاعات واقعی یا خیالی از شانس زندگی بهتر، انگیزه حرکت و جابه‌جایی را بیش از گذشته تقویت کرده (در حالی که به ناچار گروهی از این جهت به جمع حاشیه‌نشین‌ها می‌پیوندند)، دولت‌ها با معضل اعطای حقوق شهروندی از یک سو و تأمین حداقل‌های رفاه اقتصادی و اجتماعی برای تازه از راه رسیدگان که در واقع بازماندگان از دستیابی به حقوق شهروندی در نقطه دیگری از جهان هستند از سوی دیگر مواجه شده‌اند. ناتوانی دولت‌ها به دلیل حساسیت‌های سیاسی و اجتماعی و محدودیت منابع در پاسخگویی به نیازهای این جمعیت، موجب تشویق اعضای جامعه به ایفای مسئولیت‌های شهروندی و بر عهده گرفتن بخشی از وظایف دولت‌ها شده است. انتظار مشارکت از مردم (زنان و مردان) به عنوان یک حق و در عین حال وظیفه شهروندی به طور اجتناب‌ناپذیری ما را به طرف سازمان‌های غیردولتی می‌کشاند. از این رو، در ادامه به بررسی

بیشتر سازمان‌های غیردولتی پرداخته می‌شود و در آخر سه نمونه از سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه حقوق شهروندی معرفی می‌شوند.

۱- تعریف سازمان‌های غیردولتی

در سال‌های اخیر با گسترش فعالیت سازمان‌های غیردولتی^۱ اصطلاح سازمان‌های مردم‌نهاد با مخفف سمن برای آنها متداول شده که با توجه به ناهمپوشانی مفهومی، این سازمان‌ها در این نوشتار با تأکید سازمان غیردولتی نامیده می‌شوند. ارتباط این سازمان‌ها با مردم‌نهادی در ادامه در قالب دو تعریف کلاسیک و امروزی موضوع ارائه می‌شود.

در تعریف کلاسیک منابع این حوزه، سازمان‌های غیردولتی نهادهایی هستند که از نظر مدیریت و منابع مالی مستقل از دولت‌ها عمل می‌کنند و خدمت‌های آنها داوطلبانه و به شکل غیرانتفاعی است. بنابراین، با بخش خصوصی متفاوت و از بخش دولتی کاملاً جدا هستند. برخورداری این سازمان‌ها از منابع مالی دولتی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه و کم توسعه یافته، همواره مسئله وابستگی به دولت و خطر از دست دادن استقلال و دخالت دولت در برنامه‌ها و اقدامات آنها را به وجود می‌آورد. با این تعریف، سازمان‌های خیریه نیز نوعی سازمان غیردولتی هستند با این تفاوت اساسی که نهادهای خیریه غالباً با هدف کمک‌های مادی به نیازمندان (زنان و مردان) فعالیت می‌کنند. البته به دلیل گسترش بیشتر فقر در میان زنان، اکثراً این گروه به ویژه زنان سرپرست خانوار از خدمات آنها بهره‌مند می‌شوند. اما سازمان‌های غیردولتی با هدف‌های گوناگون تشکیل می‌شوند و آنهایی هم که گروه‌های نیازمند را دریافت‌کننده خدمات خود تعریف می‌کنند، غالباً کمک‌ها را برای توانمندسازی آنان (مادی و غیرمادی) ارائه می‌دهند. به همین دلیل نیز امروزه وجود این گونه سازمان‌ها را نشانه‌ای از حرکت به سوی دموکراسی می‌دانند.

با توجه به همین تفاوت اهداف و رویکردها، امروزه چند نوع سازمان زیر عنوان نهادهای مردمی قرار می‌گیرند:

1- Non-Governmental Organizations (NGOs)

انتظار مشارکت از مردم (زنان و مردان) به عنوان یک حق و در عین حال وظیفه شهروندی به طور اجتناب‌ناپذیری ما را به طرف سازمان‌های غیردولتی می‌کشاند

- خیریه‌ها: دارای سابقه‌ای طولانی و شناخته شده در ایران که با هدف کمک مادی به نیازمندان فعالیت می‌کنند.
- سازمان‌های غیردولتی یا مردم‌نهاد / سمن‌ها: جمعی سازمان‌یافته و دارای شخصیت حقوقی مستقل، غیرسیاسی و غیرانتفاعی که با هدف حل یکی از مشکلات بشری همچون آلودگی محیط زیست، حمایت مادی و معنوی از نیازمندان، و موارد دیگری از این دست فعالیت می‌کنند.
- سازمان‌های اجتماع‌محور / جامعه‌مدار: جمعی از مردم یک محدوده که در قالب گروه‌های فعال در راستای بهبود کیفیت زندگی در محدوده مشترک میان خود فعالیت می‌کنند.
- سازمان‌های عقیده / مذهب‌محور: گروهی از مردم که در راستای ترویج یک عقیده یا تفکر و با مراسم مذهبی خاص گرد هم می‌آیند و به صورت سازمان‌یافته فعالیت می‌کنند. نمونه مشابه داخلی این دسته سازمان‌ها را به نوعی می‌توان هیئت‌های مذهبی دانست.
- سازمان‌های غیردولتی حکومت‌ساخته: سازمان‌هایی شکل گرفته با اراده و حمایت دولت یا حکومت برای حل بخشی از مشکلات جامعه که از حیطة اختیارات یا توان دولت و حکومت خارج است. با وجود شکل‌گیری از بالا به پایین، برخی از این سازمان‌ها به مرور به صورت مستقل و مردمی فعالیت می‌کنند و جزو نهادهای مردمی شمرده می‌شوند.

2- charities

3- Community-Based Organizations (CBOs)

4- Faith-Based Organizations (FBOs)

5- Governmental Non-Governmental Organizations (GNGOs)

■ انجمن‌ها^۱: متشکل از ورزشکاران، هنرمندان، متخصصان و سایر گروه‌ها که بر مبنای موضوعی مشترک در کنار هم قرار گرفته‌اند.

۲- اهمیت سازمان‌های غیردولتی در احیای حقوق شهروندی

هدف اصلی سازمان‌های غیردولتی نه تنها تأمین منابع مالی، بلکه بسیج مردم در قالب ساختارهای متشکل از گروه‌های داوطلب برای ایفای مسئولیت‌های شهروندی و دستیابی به اهداف سازمان است. سازمان‌های غیردولتی زاینده تفکر توسعه «مردم محور» و «داوطلب‌گرا» هستند که با جذب منابع بیشتر (نیروی انسانی و مالی)، توان اجتماعی برای خدمت به مردم را تقویت می‌کنند. در واقع این سازمان‌ها نقطه اتصال مردم دارای توان کمک (وقت و پول)، گروه‌های محروم و دولت‌ها تلقی می‌شوند که تلاش دارند در برابر سازمان‌های دولتی و رسمی، صدای رسایی در دفاع از گروه‌های محروم از حقوق شهروندی یا طرح مسئله‌ای در جامعه و حتی دنیا باشند.

سازمان‌های غیردولتی به لحاظ خاستگاه، نحوه شکل‌گیری، محتوای فعالیت‌ها و گروه‌های هدف نیز با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. این سازمان‌ها را می‌توان به توسعه‌ای، محیط زیستی، انسان‌دوستانه، آموزش حرفه، زنان، کودکان و ... تقسیم کرد. اما این تقسیم‌بندی‌ها در عمل مشکلاتی به همراه دارد زیرا در برخی موارد ممکن است یک سازمان در گروه‌های متعددی جای گیرد. دسته بزرگی از سازمان‌های غیردولتی برای حمایت از گروه‌های محروم و با هدف فراهم آوردن امکان برخورداری آنها از حداقل‌های حقوق شهروندی شکل می‌گیرند. هدف این سازمان‌ها غالباً ارتقای وضعیت زندگی گروه‌های خاصی مانند زنان سرپرست خانوار، زنان مصرف‌کننده مواد، بی‌خانمان‌ها، کودکان بدسرپرست و نظایر اینها و در واقع کمک به گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه است.

سازمان‌های غیردولتی با متشکل کردن مردم، تعیین موضوع یا گروه‌های هدف، و شناخت مسائل

و نیازهای این گروه‌ها، از منابع قابل دسترسی به صورت کارآمدتری نسبت به دولت‌ها استفاده می‌کنند. سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه توسعه توانمندی، برابری را ترویج و فقر را کاهش می‌دهند و با طرح مسائل و رسانیدن صدای بازماندگان از حقوق شهروندی تلاش می‌کنند با تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و اقدامات دولت، اهداف خود را پیش ببرند.

گرچه توان و میزان موفقیت سازمان‌های غیردولتی در تأمین نیازهای همه گروه‌های محروم از سویی و محول کردن وظایف دولت‌ها در تأمین حداقل حقوق شهروندی اجتماعی به مردم تحت عنوان مسئولیت‌های شهروندی آنها از سوی دیگر مورد چالش قرار گرفته است (Bebbington et al. 2008)، به هر حال این سازمان‌ها هر روز بیشتر از گذشته تلاش می‌کنند با روش‌های نوآورانه و توجه به شرایط گروه‌های هدف، به نیازهای آنها پاسخ دهند. به طور یقین نقش سازمان‌های غیردولتی در نشان دادن مشکلات جامعه و تلاش برای کاهش نابرابری‌ها و تأمین حداقل‌های شهروندی اجتماعی هرگز به اندازه امروز نبوده است. با توجه به علاقه ذاتی سازمان‌های غیردولتی به عدم وابستگی به دولت‌ها، حتی در شرایط دشوار اقتصادی، هنوز انگیزه‌های کمک به فراهم آوردن فرصت‌هایی برای بهره‌مند شدن گروه‌های محروم از حق شهروندی در اغلب کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به چشم می‌خورد. سازمان‌های غیردولتی در تلاش برای بهبود کیفیت زندگی محرومان به فعالیت‌های گوناگونی می‌پردازند که «توانمندسازی» شاید گسترده‌ترین مفهومی باشد که برای این فعالیت‌ها به کار برده می‌شود. این مفهوم دامنه وسیعی از موضوعات را در بر می‌گیرد. موضوعاتی مانند:

- اطلاعات سلامتی و بهداشتی
- آموزش مهارت‌های ارتباطی
- تشویق به علم‌آموزی
- آموزش ارزش‌های مربوط به حقوق کودکان و زنان
- حق انتخاب و یادگیری روش‌های انتخاب درست
- نگرش‌ها و ارزش‌های شهروندی

■ مسائل خانوادگی و چگونگی رفع آنها

■ آموزش اعتماد به نفس، احترام به خود، توان بیان نظرات

■ آموزش تصمیم‌گیری مشارکتی

■ تجربه مشارکت از طریق فعالیت‌های روزانه

■ ارائه خدمات مشاوره‌ای

■ آموزش مسائل محیط زیستی و اقدام برای کاهش مشکلات

با توجه به تفاوت شرایط اجتماعی و فرهنگی شهرها و حتی محلات یک شهر براساس خاستگاه اجتماعی افرادی که در آنها زندگی می‌کنند، سازمان‌های غیردولتی محلی و داوطلبان بومی اهمیت بیشتری می‌یابند. این نوشتار خلاصه‌ای از فعالیت‌های دو سازمان غیردولتی محلی و یک سازمان غیردولتی فرامحلی فعال در حوزه زنان را گزارش می‌کند و سعی دارد نشان دهد که سازمان‌های غیردولتی چگونه با نوآوری بر مبنای نیازهای گروه هدف و محله تلاش می‌کنند پیامدهای محرومیت از حقوق شهروندی اجتماعی (حق آموزش، حق سلامت، حق یادگیری مهارت و ...) را برای گروه‌هایی از کودکان، نوجوانان و زنان جبران کنند. گرچه هیچ‌یک از سازمان‌های غیردولتی معرفی شده در این نوشتار، موضوع فعالیت‌ها و آموزش‌های ارائه شده به گروه هدف را «شهروندی» یا «احقاق حقوق شهروندی» عنوان نکرده‌اند، با توجه به محتوای فعالیت‌های آنها از نظر تدوین‌کنندگان این مقاله، می‌توان پیامدهای قابل انتظار و بلندمدت این فعالیت‌ها را دستیابی به «حقوق شهروندی اجتماعی» نام نهاد. این سازمان‌ها فعالیت‌های خود را صرفاً در جهت توانمندسازی و فراهم آوردن فرصت‌هایی برای ارتقای کیفیت زندگی گروه‌های هدف دانسته‌اند، اما نقش بسیار شایسته و مهم سازمان‌های غیردولتی را در حمایت از کودکان، نوجوانان و زنان برای آنکه کنش‌گری اجتماعی بیاموزند، ارتباط با دیگران را یاد بگیرند و همکاری و کار مشترک را تجربه کنند و به طور کلی نتایج مثبت آموزش‌های غیررسمی آنها را برای گروهی که غالباً از آموزش‌های رسمی بازمانده‌اند نمی‌توان انکار کرد.

۳- سازمان‌های غیردولتی زنان در راستای شهروندی اجتماعی

اگر سازمان‌های غیردولتی زنان با این ویژگی بارز که «از فواید اقدامات و برنامه‌های آنها زنان برخوردار می‌شوند» مشخص شوند، در این صورت شواهد نشان می‌دهد که تشکیل سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران سابقه‌ای طولانی دارد. حداقل حدود هشتاد سال از تشکیل انجمن خانم‌های دوستدار کلیسا (سال ۱۳۲۰) می‌گذرد و انجمن زنان زرتشتی در سال ۱۳۲۹ تأسیس شده است (شادی طلب ۱۳۷۶: ۱۵۸-۱۵۹). اما در دهه‌های اخیر، با رشد انگیزه مردم و مشارکت (زنان و مردان) و حمایت دولت‌ها، تعداد سازمان‌های غیردولتی به خصوص در زمینه حقوق شهروندی زنان افزایش چشمگیری داشته است. متأخرترین سندی که در حوزه حقوق شهروندی در ایران در دسترس همگان قرار گرفته منشور حقوق شهروندی است که از سوی دولت یازدهم در سال ۱۳۹۵ منتشر شد. در بندهایی چند از این منشور، زنان و حقوقشان به طور مستقیم مورد توجه قرار گرفته‌اند، از جمله:

■ ماده ۲ بند الف (حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی) به حق زنان در برخورداری از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب و آموزش و مشاوره‌های مناسب به ویژه در دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان، بیماری، فقر و معلولیت اشاره دارد.

■ ماده ۱۱ بند ب (کرامت و برابری انسانی) تأکید می‌کند که زنان حق دارند در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت، مشارکت فعال و تأثیرگذار داشته باشند و براساس موازین اسلامی از فرصت‌های اجتماعی برابر برخوردار شوند.

■ ماده ۵۴ بند ر (حق تشکیل و برخورداری از خانواده) حق زنان در مصونیت از خشونت رفتاری و گفتاری، و در صورت رخ دادن هر گونه خشونت، حق آنها برای دسترسی به مکان امن و نهادهای امدادی، درمانی و قضایی را به رسمیت می‌شناسد.

■ ماده ۸۳ بند ص (حق اشتغال و کار شایسته) حق برخورداری از فرصت کاری مناسب و حقوق و مزایای

برابر با مردان را برای زنان قائل شده است.

■ ماده ۸۹ بند ض (حق رفاه و تأمین اجتماعی) حق زنان برای برخورداری از امکانات ورزشی، آموزشی و تفریحی و همچنین حضور در عرصه ورزش ملی و جهانی را مورد توجه قرار می‌دهد.

■ ماده ۹۰ بند ض دسترسی به تغذیه سالم و مراقبت‌های بهداشتی در دوران بارداری و زایمان را برای زنان لازم می‌شمرد.

■ ماده ۱۰۳ بند ط (حق دسترسی و مشارکت فرهنگی) حق زنان برای حضور و مشارکت در فضاها، مراکز و سازمان‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری را مطرح می‌کند (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت ۱۳۹۵).

در مجموع، فارغ از اوضاع عینی جامعه ایران، حق سلامت و امنیت، حق مشارکت سیاسی، و حق فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سه نوع کلی از حقوقی است که در منشور حقوق شهروندی دولت یازدهم برای زنان در نظر گرفته شده است. یکی از راه‌های واسطی که به این حقوق مکتوب جنبه عملی می‌بخشد و می‌تواند شرایط عینی جامعه را به اهداف منشورها و مصوباتی از این دست نزدیک کند وجود سازمان‌های غیردولتی است. تحقق حقوق شهروندی در گام اول مستلزم حضور و مشارکت شهروندان در تأمین این حقوق است و این مشارکت با حرف و اندرز و دعوت محقق نمی‌شود (پیران ۱۳۷۶)، بلکه نیازمند بستری مناسب است و این بستر با تقویت جامعه مدنی و نهادها و اجزا و فرایندهای وابسته به آن فراهم می‌شود. چنان که هم اکنون در سطح بین‌المللی نیز بر وجود این نهادها، به ویژه در سطح محلی، برای تقویت حقوق شهروندی زنان و برابری جنسیتی تأکید زیادی می‌شود و تجارب خوبی هم به دست آمده است که از میان آنها

در مجموع، فارغ از اوضاع عینی جامعه ایران، حق سلامت و امنیت، حق مشارکت سیاسی، حق فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سه نوع کلی از حقوقی است که در منشور شهروندی دولت یازدهم برای زنان در نظر گرفته شده است

می‌توان به نمونه‌ای همچون شبکه بین‌المللی مراکز مادر^۱ اشاره کرد.

با تکیه بر لزوم وجود نهادهای مدنی برای تحقق شهروندی اجتماعی، در این نوشتار سه نمونه از سازمان‌های غیردولتی زنان معرفی می‌شود. برای آشنایی با فعالیت این سازمان‌ها در شهر تهران از روش مشاهده و گفت‌وگوی آزاد با مدیران، نیروهای داوطلب و برخوردارشوندگان از خدمات استفاده شده است.



۳-۱- بنیاد امید مهر

بنیاد امید مهر^۲ در سال ۱۳۸۳ با هدف مهارت‌آموزی به دختران و زنان جوان در شرایط سخت اجتماعی - اقتصادی، در تهران تأسیس شده و مخاطبان خود را از طریق معرفی در سرتاسر تهران پوشش می‌دهد. بنیاد دارای دو بخش داخلی و خارجی است که بخش داخلی شامل واحدهای آموزش، مددکاری، روان‌شناسی و اداری است و بخش خارجی امور داوطلبین و کاربایی را شامل می‌شود. در ادامه، بنیاد با استفاده از محتوای گفت‌وگوهای انجام شده معرفی می‌شود.

1- Mother Centers International Network for Empowerment (MINE)

شبکه بین‌المللی مراکز مادر در آلمان بنیان نهاده شد و در دو دهه گذشته در پانزده کشور دیگر گسترش یافت. در سال ۲۰۰۲ این شبکه به انتخاب هیئتات برنده جایزه بین‌المللی دبی برای «بهترین شیوه اقدام برای بهبود محیط زندگی» شد. ایده اصلی شبکه مادر این است که وجود والدین برای بزرگ کردن بچه کافی نیست، بلکه این امر نیازمند محیط محلی حمایتگر و انطباقی‌پذیر است. در واقع این نهاد به دنبال آوردن زنان از حوزه خصوصی به حوزه عمومی و ادغام وظایف آن‌ها - به ویژه درباره کودکان - در فرهنگ عمومی است و قصد دارد به وظایف مادری و خانه‌داری، که به‌خصوص پس از انقلاب صنعتی یک فعالیت غیرمولد و حاشیه‌ای تلقی شد و تسلط مردان را بر زنان بیشتر کرد، اهمیت ببخشد.

۲- مصاحبه با مدیران بخش‌ها و تعدادی از مددجویان این بنیاد در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۹۵ انجام شده است.

■ اهداف و سازوکار کلی

اهداف بنیاد عبارت است از ارتقای سطح دانش و مهارت‌های فردی، اجتماعی و ارتباطی، کشف استعدادها و مهارت‌جوها و پرورش استعدادها و تغییر نگرش‌ها. مأموریت بنیاد امید مهر «تقویت شایستگی‌های اجتماعی، احساسی و اقتصادی زنان جوان و ارائه فرصت‌هایی برای تجربه طیف کاملی از گزینه‌های زندگی از طریق مهارت‌آموزی و آموزش و نیز پرورش حس خودارزشی در آنها» است.

شرایط عمومی ورود دختران به بنیاد داشتن ۱۵ تا ۲۵ سال سن و حداقل مدرک تحصیلی پایان دوره راهنمایی است. دختران با بررسی و تأیید تیم حرفه‌ای مددکاری وارد بنیاد می‌شوند. آنان پس از ورود تست روان‌شناسی می‌شوند تا امکان قرارگیری آنها در ساختار کلاسیک بنیاد سنجیده شود. این دختران توسط نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی یا دوستانشان که در بنیاد آموزش می‌بینند معرفی می‌شوند. بیشترین فراوانی سنی متعلق به دختران ۱۸ تا ۲۱ سال است.

این بنیاد هر سال دو نوبت (پاییز و بهار) از دختران واجد شرایط ثبت‌نام می‌کند. تمامی خدمات بنیاد رایگان است. دختران مهارت‌جو پس از دو سال و نیم آموزش و پرورش شامل آموزش زبان انگلیسی، کامپیوتر، مهارت‌های زندگی و دوره‌های هنری وارد دوره تخصصی می‌شوند. دوره تخصصی معادل کار داوطلبانه در نهادهایی غیر از بنیاد است، یعنی در مؤسسات خیریه و به طور کلی مراکزی که به بنیاد امید مهر شباهت دارند. با هدف توزیع عادلانه منابع در جهت حمایت از تحصیل تعداد هرچه بیشتری از دختران نیازمند، از دختران مستعد تحصیل تا سقف لیسانس حمایت می‌شود و ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر تنها در صورتی میسر می‌شود که خیریه مستقیماً دختر را حمایت کند. یکی از اصول مهم بنیاد حفظ شأن و منزلت دختران است. با اتکا بر چنین نگاهی، همه انواع حقوقی که دختران باید با آنها آشنایی پیدا کنند تا مورد آزار قرار نگیرند، شخصیت خود را بهتر بشناسند و اعتماد به نفس پیدا کنند به آنان آموزش داده می‌شود.

■ فعالیت‌های جاری

فعالیت‌های جاری بنیاد شامل سه بخش آموزش، سامان‌دهی فعالیت‌های داوطلبی و کاریابی است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

■ چارچوب آموزشی

سطوح آموزشی در بنیاد شامل دو سطح مقدماتی و پیشرفته است. فعالیت در بخش آموزش با روند متداول برنامه‌های آموزشی طبق مراحل زیر پیش می‌رود:

- تدوین محتوا
- برنامه‌ریزی آموزش
- انتخاب موضوعات آموزشی
- زمان‌بندی کلاس‌ها
- اجرای کلاس‌ها

کلاس‌های مختلفی در بنیاد برگزار می‌شود، مانند کامپیوتر، زبان، هنر و کلاس‌های پرورشی که خود شامل بهداشت، توسعه سلامت، و آموزش مرتبط با جنسیت (حقوق زنان و رشد زنان) می‌شود. براساس اصول مد نظر در تمام آموزش‌ها، هر مهارت‌جو با خودش مقایسه می‌شود و نه با کس دیگر؛ سعی می‌شود تبعیضی بین مهارت‌جوها ایجاد نشود و مهارت‌جوی موفق در کلاس شاخص نمی‌شود؛ ایجاد انگیزه در مهارت‌جوها اهمیت دارد و مهارت‌جوی گوشه‌گیر فراخوانده می‌شود؛ به تشویق توجه می‌شود و نه تنبیه؛ به مهارت‌جویان آموزش داده می‌شود که از بیان ذهنیت خود نترسند تا به ارزش‌های خود پی ببرند و از ناامیدی دور شوند؛ معلمان و کادر آموزشی هم به طور مستمر آموزش می‌بینند؛ و همکاری میان واحدهای مختلف بنیاد از ضرورت‌ها است تا ابعاد مختلف در مهارت‌جوها هم‌زمان رشد کند. بدین ترتیب، مهارت‌جویان به مرور به حقوق فردی و اجتماعی خود آگاه می‌شوند.

■ چارچوب امور داوطلبین

امور داوطلبین به عنوان حوزه اصلی فعالیت بنیاد دو بخش عمده دارد. بخش نخست به جذب نیروهای داوطلب خارج از بنیاد شامل افراد علاقه‌مند به تدریس داوطلبانه در بنیاد اختصاص دارد که با دریافت

سوابق تحصیلی و تجربی داوطلبان و بررسی آن صورت می‌گیرد. همچنین شناسایی فرصت‌های شغلی برای دختران که بتوانند پس از آموزش، جذب سازمان‌ها و شرکت‌ها شوند در این بخش متمرکز است. بخش دوم به امور مربوط به کار داوطلبانه دختران در خارج از بنیاد به صورت داوطلبانه و به عنوان دوره تخصصی می‌پردازد.

علاوه بر فعالیت‌های دو بخش فوق، برگزاری نمایشگاه‌های آثار هنری دختران داخل و خارج بنیاد در گالری‌های مختلف و همچنین ورزش (کوهنوردی، دو، بهکاپ/گلف ایرانی) در امور داوطلبین پیگیری می‌شود.

■ چارچوب کاریابی

بخش کاریابی دو بخش اصلی دارد:

(۱) کارورزی / کارآموزی، (۲) استخدامی /

دستمزدی. بعد از اتمام دوره تخصصی و کار داوطلبانه و آموزش‌های لازم، دختران وارد دوره کارورزی می‌شوند. بنیاد تأکید دارد که این دوره بیش از ۳ ماه طول نکشد. در بخش استخدامی، شرایط حقوقی کار، رفتار کارفرما و موارد دیگر از طریق بازدید محل کار، رایزنی با کارفرما و مشاوره به مدت ۶ ماه پایش می‌شود و اگر کار مناسب دختر تشخیص داده نشود، کوشش می‌شود که یا مشکلات کار حل شود یا کار تغییر پیدا کند. در این چارچوب، رفتار سازمانی و ویژگی‌های محیط کار نیز به دختران آموزش داده می‌شود. در بسیاری از مواقع، خود دختران کار مناسب خود را پیدا می‌کنند و پیشنهاد می‌دهند.

■ دستاوردها و مشکلات

خدمات‌گیرندگان آموخته‌های خود در بنیاد را در شاخه‌هایی همچون تهران‌شناسی، کامپیوتر، اینترنت، ورزش (ایروبیک و کوه‌نوردی)، موسیقی، نقاشی، زبان، تئاتر، دفاع شخصی (راهی مناسب برای مقابله با آزار جنسی)، مستندسازی و کسب مهارت رفتار در جامعه ذکر می‌کنند. همچنین معتقدند که بنیاد باعث شده است درسشان را تمام کنند و مشغول به کار شوند، دوستان

بیشتری داشته باشند، خوش‌اخلاق شوند، اعتماد به نفسشان افزایش یابد، مسئولیت‌پذیرتر شوند، و احترام گذاشتن و کمک کردن به دیگران را بیاموزند. برخی دستاوردهای بااهمیت خدمات‌گیرندگان و مشکلات دختران از زبان آنان چنین است:

رشته‌های بنیاد محدود نیست. در بنیاد، اول استعدادیابی است و بعد ورود به رشته‌ای که ما را زنده می‌کند. بنیاد مدرسه نیست که خشن باشد. بنیاد تابع بچه‌ها است در حالی که در مدرسه

بچه‌ها باید تابع مدرسه باشند. در مدرسه صدا شنیده نمی‌شد و فقط وقت و انرژی تلف می‌شد. در بنیاد به کودکان اعتماد می‌شود و ما می‌آموزیم از هر چیزی راحت نگذریم، خشممان را کنترل کنیم و روابط مؤثر و برخورد مناسب با

باید به انسانیت بدون توجه به قومیت، ملیت و ... نگاه کنیم و حقوق دیگران را ضایع نکنیم. به انسانیت باید احترام گذاشت

دیگران داشته باشیم.

من در گذشته از یادگیری خیلی از موضوعات مورد علاقه‌ام به دلیل مشکلات اقتصادی محروم بودم که در بنیاد به آنها رسیدم. در خانواده‌ام یاد گرفته بودم که زن باید کم‌توقع باشد و همیشه کوتاه بیاید، اما در بنیاد آموختم که همه انسانیم و باید به انسانیت بدون توجه به قومیت و ملیت و غیره نگاه کنیم و حقوق دیگران را ضایع نکنیم. به انسانیت باید احترام گذاشت. در خانواده‌ام، پدرم حامی است و حتی خودش علاقه‌مند به اطلاع از حقوق زنان شده است، اما برای مادرم این مسائل تابوست و این تغییرات را چندان نمی‌پذیرد. من از ۵ سالگی کار کردن را با دست‌فروشی شروع کردم. اول راهنمایی، چون نمی‌توانستم هم کار کنم و هم درس بخوانم، ترک تحصیل کردم. در ۱۷ سالگی از درس نخواندن و اینکه می‌دیدم حقوقم از من گرفته شده، مثل حق تحصیل در کنار هم‌سن‌های خودم، کلافه بودم و بالاخره کار را ول کردم. در بنیاد حس برابری دارم. حس انسان بودن دارم و نه مهاجر بودن! هزینه‌ها همیشه مانع به دست آوردن آموزش‌های بیرونی بود، اما در بنیاد کافی است درخواست چیزی

را بدهیم تا آن چیز باشد.

در خانواده، پدر و برادرانم مانع تحصیل و فعالیت‌های من هستند. آنها معتقدند زن فقط باید به خانواده سرویس بدهد. من هنوز هم پاره‌وقت کار می‌کنم تا بتوانم پولی به آنها بدهم. بازیگری در تئاتر را از آنها پنهان می‌کنم اما تلاش می‌کنم تا موفق بشوم و به دختران شبیه خودم کمک کنم. من خودم را قربانی طرز فکر غلط خانواده‌ام نمی‌کنم.

مشکلات پیش روی بنیاد و فعالیت‌های آن در دو بخش محدودیت‌های قانونی و خانوادگی دختران می‌گنجد. از نظر قانونی، دختران مهاجر امکان اشتغال رسمی ندارند و این مسئله باعث گرایش آنان به شغل‌های خانگی یا غیرمعتبر می‌شود و سرانجام گاه فعالیت‌های بنیاد را منحرف می‌سازد. از نظر خانوادگی، به دلیل فقر توأمان فرهنگی و اقتصادی، اغلب دختران قربانی طرز فکر نادرست خانواده‌های خود می‌شوند که آنان را با محدودیت‌های جدی برای حضور در فضای آموزش و سپس اشتغال متناسب روبه‌رو می‌کنند.

در جمع‌بندی فعالیت‌های بنیاد در ۱۳ سال گذشته، به نظر می‌رسد با وجود تمام فراز و نشیب‌ها توانسته جریان‌ی از خودباوری را در میان دختران دچار شرایط سخت ایجاد کند و بخشی از حقوق از دست رفته دختران در معرض آسیب را به آنان بازگرداند.



۳-۲- مؤسسه آوای ماندگار

مؤسسه آوای ماندگار^۱ در سال ۱۳۸۶ به منظور توانمندسازی زنان محله دروازه غار تأسیس شد تا مادران بتوانند به کمک کودکان خود بیایند و بدین طریق از کار کودکان کاسته شود. بنابراین مخاطبان اصلی مؤسسه مادران هستند.

۱- مصاحبه با مدیران و مسئولان و تعدادی از مددجویان این مؤسسه در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۹۵ انجام شده است.

■ اهداف و سازوکار کلی

هدف کلان مؤسسه کمک به رهایی کودکان از کار و شرایط سخت از طریق توانمندسازی مادران و آموزش به کودکان است. راهبرد مؤسسه برای تداوم توسعه توانمندی مادران و کودکان و پایداری فعالیت‌های خود بومی‌پروری است. منظور از بومی‌پروری آموزش و تربیت زنان بومی دروازه غار در جهت پایدارسازی و الگوسازی و به گونه‌ای است که بتوانند گردانندگان مؤسسه شوند و پس از آموزش دیدن آموخته‌های خود را به زنان مشابه خود منتقل کنند و از تجارب یکدیگر بهره‌مند شوند.

همه زنان علاقه‌مند به آموزش و تغییر با اولویت مادران، فارغ از ملیت و قومیت، می‌توانند در دوره‌های آموزشی مؤسسه شرکت کنند. با توجه به محدوده فعالیت مؤسسه، بیشتر این زنان از حقوق زیادی محروم شده‌اند، مانند حریم خصوصی، امنیت، آموزش (به دلایل مالی و فرهنگی)، و دائم مورد خشونت قرار می‌گیرند. مؤسسه فضایی را برای احیای تمامی این حقوق فراموش شده فراهم آورده و مادران می‌توانند بر مبنای علاقه‌شان (و نه استعداد)، وارد کلاس‌های آموزشی شوند و به راحتی و بدون آنکه حاشیه‌ای برایشان ایجاد شود، حرف بزنند و دیده شوند. با توجه به اینکه بسیاری از زنان محله حتی با وجود درآمد بیشتر حاضر به اشتغال در محله‌ای دورتر نیستند و وابستگی شدیدی به خانواده با تأکید بر کودکان دارند و از طرف دیگر از جامعه نیز ترس دارند، ایجاد اشتغال در درون محله از اولویت‌های مؤسسه است. بنابراین سعی می‌شود تا آنجا که ممکن است افراد آموزش‌دیده در خود مؤسسه به عنوان مربی یا تولیدکننده مشغول به کار شوند.

■ فعالیت‌های جاری

فعالیت‌های مؤسسه در طی سال‌های فعالیت آن در فرایندی تکاملی پیش رفته و همواره تلاش شده شرایط جامعه و نیازهای گروه هدف مبنای آموزش‌ها و تولیدات باشد. بدین ترتیب، چهار نوع فعالیت کلی در مؤسسه جریان دارد که سوادآموزی اولین آنها است، سپس مهارت‌آموزی (اجتماعی و حرفه‌ای) و در آخر اشتغال و تولید است.



۳-۳- مؤسسه نوای مهر تاک

مؤسسه توانمندسازی و کارآفرینی نوای مهر تاک^۱ از شهریور ۱۳۹۴ در محله دروازه غار به منظور توانمندسازی زنان و فرزندان آنها تا آمادگی برای اشتغال شروع به کار کرده است. بنابراین مخاطبان مؤسسه مادران و فرزندان هستند.

■ اهداف و سازوکار کلی

با توجه به پایین بودن خودباوری در زنان در محله‌ای همچون دروازه غار، این مؤسسه تلاش دارد به مصداق اینکه «زنان معماران جامعه خود هستند» آنان را از خانه‌ها بیرون بیاورد و کمک کند تا این نگاه را که کاری از دستشان بر نمی‌آید کنار بگذارند و باور کنند که می‌توانند رویه‌ای غیر از مادران خود در زندگی داشته باشند و از این طریق کودکان دیگری تربیت

۱- مصاحبه با مدیران و مسئولان و تعدادی از مددجویان این مؤسسه در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۹۵ انجام شده است.

کنند و نسلی متفاوت را رقم بزنند. راهبرد ماندگاری این اقدامات، همچون مؤسسه آوای ماندگار دروازه غار، بومی‌پروری است تا فعالیتهای مؤسسه به پایداری برسد.

همه مادران غیر از مادران درگیر اعتیاد در مؤسسه پذیرفته می‌شوند، حتی کارگران جنسی. تنها شرط پذیرش مخاطبان داشتن سواد است. مبنای ورود مادران و فرزندان به دوره‌های مهارت‌آموزی، جدا از علاقه، استعداد است و تلاش می‌شود به افراد بر مبنای توانایی‌هایی که دارند مهارت آموزش داده شود. پس از آموزش نیز افراد یا به عنوان مربی در مؤسسه مشغول یا جذب بازار کار می‌شوند. گفتنی است با وجود هدف‌گیری مادران و کودکان، تعدادی از پدران خانواده‌ها نیز با مشاهده تغییر خانواده خود، جذب فعالیتهای آموزشی مهارت‌های اجتماعی شده‌اند. در این گونه محلات، والدین هیچ ارتباطی با کودکانشان ندارند چون به دلیل کار زیاد همیشه خسته‌اند یا برقراری ارتباط مؤثر با کودکان خود را یاد نگرفته‌اند. این موضوع از دلایل اصلی تداوم چرخه زندگی پرآسیب است. بدین ترتیب، بسیاری از کودکان از حق نوازش دیدن از والدین محروم و به تبع آن از جامعه طرد می‌شوند. این کودکان حتی از حق مطالبه‌گری در برابر والدین و حق آموزش نیز محروم‌اند.

■ فعالیتهای جاری

برای خدمات گیرندگان مؤسسه، پرونده‌ای تشکیل می‌شود مشتمل بر ملیت، سرپرست، وضعیت مسکن، امکانات، و شرایط روحی و جسمی که مبنای فعالیتهای می‌شود. فعالیتهای جاری مؤسسه بر سه نوع کلی است: سوادآموزی، مهارت‌آموزی (اجتماعی و حرفه‌ای)، و خدمات پشتیبان همچون مشاوره حقوقی و خدمات پزشکی. تمامی این فعالیتهای برای مادران و فرزندان در جریان است بجز سوادآموزی کودکان که با توجه به فعالیت مؤسسه دیگری در محله که به طور تخصصی روی موضوع سوادآموزی کار می‌کند، این بخش به آنها سپرده شده است و تنها برای دوره‌های آموزشی جبرانی (ریاضی، فیزیک و ...)، زبان انگلیسی، استعدادیابی

و خلاقیت در مؤسسه برای کودکان کلاس برگزار می‌شود. کلاس‌های سوادآموزی مادران در دو سطح زیر نظر نهضت سوادآموزی به عنوان پیش‌نیاز کلاس‌های حرفه‌آموزی برگزار می‌شود.

در زمینه مهارت‌آموزی، کلاس‌های مهارت‌های حرفه‌ای مانند خیاطی، نقاشی، موسیقی و گلیم‌بافی برای مادران و کودکان و آرایشگری ویژه مادران دایر است. دوره‌های

مهارت‌های اجتماعی شامل مهارت‌های زندگی، بهداشت جسمی و روانی، جلسات مشاوره و روان‌شناسی فردی و گروهی و جلسات آشنایی با حقوق شهروندی برای مادران و کودکان برگزار می‌شود. نمودی از رشد مطالبه‌گری در بین کودکان و تقویت مهارت‌های اجتماعی آنان پیگیری مکرر و موفقیت‌آمیز اخیرشان از شهرداری برای اصلاح وضعیت یکی از جوی‌های محله است که بوی تعفن شدیدی داشت.

خدمات پشتیبان شامل تأمین نیازهای اولیه زنان و کودکان بی‌بضاعت، حمایت دارویی و درمانی، مشاوره‌های حقوقی و مواردی از این دست می‌شود. تمامی این امور با توجه به اهمیت حفظ عزت نفس خدمات‌گیرندگان و جلوگیری از گداپروری صورت می‌گیرد.

در حال حاضر حدود ۱۵۰ کودک و ۲۰۰ مادر از کلاس‌های مؤسسه استفاده می‌کنند. اکثر نیروها داوطلب هستند و تعداد نیروهای موظف فعال در مؤسسه اندک است.

■ دستاوردها و مشکلات

با توجه به یکسانی بسیاری از اعضا و خدمات‌گیرندگان این دو مؤسسه، دستاوردها و مشکلات مشابهی برای این دو وجود دارد. فعالان دو مؤسسه اذعان دارند خشونت دیدن برای زنان محله دروازه غار عجیب نیست و آن را به عنوان بخشی از زندگی پذیرفته‌اند. زنان

۱- خدمات پزشکی از طریق حامیانی ارائه می‌شود که با بیمارستان سوم شعبان و یک داروخانه در ارتباط هستند. همچنین دندانپزشکان داوطلب از دانشگاه شهید بهشتی کودکان را پوشش می‌دهند.

در این گونه محلات، والدین هیچ ارتباطی با کودکانشان ندارند چون به دلیل کار زیاد همیشه خسته‌اند و نحوه ارتباط مؤثر با کودکان خود را یاد نگرفته‌اند. این موضوع از دلایل اصلی تداوم چرخه زندگی پرآسیب است

محله نه مهارت و توان مستقل بودن را دارند و نه درآمد لازم را. کارهای موجود برای آنان اغلب کارخانگی با ساعات زیاد و درآمد کم است. ازدواج دختران بسیار زود است و گاه کودکان دارای فرزند نیز هستند. وقتی مادران وارد مؤسسات می‌شوند راجع به خود و توانایی‌هایشان چیزی نمی‌دانند و کمبود اعتماد به نفس شدیدی دارند چون جامعه مخاطبشان

هیچ‌گاه تغییری نکرده است و دستیابی به این تغییرات بلندمدت است. در چنین شرایطی و با فعالیت در بین این گروه‌ها، موارد زیر مورد تأکید این مؤسسات است: - حقوق کودک باید به هر شخص و نهادی که با کودکان سروکار دارد، به‌خصوص نهاد آموزش و پرورش، آموزش داده شود. سیاست‌های غلط آموزش و پرورش سهم عمده‌ای در بروز آسیب‌های اجتماعی دارد و مدارس را برای کودکان تبدیل به زندان کرده است.

- همه اقدامات نسبی است و نیاز به استمرار دارد. یادگیری با استمرار محقق می‌شود و فعالیت‌های مؤسسه باید مستمر باشد.

- تمام گروه‌های تحت پوشش مؤسسه را خانه دوم خود می‌دانند و در آن کاملاً آرامش دارند.

- می‌توان گفت که هیچ‌یک از مادران از حقوق خود آگاه نیستند. تا مطالبات شناخته نشود، احقاق حق صورت نمی‌گیرد. بنابراین سعی بر این است که زنان از حقوق خود آگاه شوند و برای مثال بدانند که حق طلاق از مرد معتاد مبتلا به ایدز را دارند. یکی از خدمات‌گیرندگان هر دو مؤسسه که در حال حاضر خود یک معلم است، با اشاره به وجود مشکلاتی در محله همچون مردسالاری و ممانعت پدران و برادران از کار و تحصیل دختران، دستاوردهای خود را چنین برمی‌شمرد: «بعد از آشنایی با مؤسسه، نه مشکل مالی من برطرف شده و نه خانواده‌ام (پدر معتاد و

مادر بیمار) بهتر شده‌اند، اما حال خودم خوب شده است. خاطر من و بچه‌هایم آسوده است که در این محله کسی را داریم. اینجا فضای امنی برای مادران و کودکان است. در این منطقه، دختران و زنان زیادی درگیر مشکلات‌اند. خیلی از بچه‌های محله که به دلیل فقر

مالی از آموزش محروم بودند، دارند در مؤسسه آموزش می‌بینند.»

مشکلات پیش روی مؤسسات بیشتر حول مسائلی است که در سطح محله و خانواده‌ها نهادینه شده، با تأکید بر اعتیادی که عامل خشونت علیه زنان شده است، و همچنین فقر فرهنگی و ترس زنان که مانع پیوستن آنان به زندگی اجتماعی فراتر از سطح محله‌شان می‌شود. تمام این موارد، مقاومتی را در زنان برمی‌انگیزد که حاصلش عدم تغییر و تکرار چرخه آسیب است که کودکان را به شدت متأثر می‌سازد و محرک بیرونی را نیازمند تداوم و غنای بیشتر. در مجموع، به نظر می‌رسد که فعالیت‌های این دو مؤسسه در توانمندسازی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مادران و فرزندان تأثیرگذار بوده و گاه حتی توانسته است خانواده‌ها را درگیر خواست‌های اجتماعی و ارتقای کیفی زندگی کند.

۴- سخن پایانی

مهم‌ترین تفاوتی که میان بنیاد امید مهر از یک سو و مؤسسات نوای مهرتاک و آوای ماندگار از سوی دیگر وجود دارد در گروه‌های هدف این نهادها است. بنیاد امید مهر توانمندسازی دختران جوان را مد نظر قرار داده، مؤسسه آوای ماندگار بیشتر بر مادران تمرکز دارد، و مؤسسه نوای مهرتاک مادران را در همراهی با کودکانشان مورد توجه و رسیدگی قرار می‌دهد. اما نقطه مشترک این نهادها آن است که اولاً هر سه به مهارت‌آموزی و در نتیجه توانمندسازی زنان و دختران می‌پردازند و ثانیاً تقویت خودباوری و عزت نفس آنان را به عنوان هدف غایی فعالیت‌هایشان انتخاب کرده‌اند.

خشونت دیدن برای زنان در این محله عجیب نیست و آن را به عنوان بخشی از زندگی پذیرفته‌اند

گذشته از تفاوت‌ها و شباهت‌ها، نکته مهم در برنامه‌ها و اهداف این سه نهاد آن است که ضمن از میان برداشتن تبعیض جنسیتی، تلاششان عمدتاً معطوف به تفاوت‌هایی است که مقوله فقر، چه اقتصادی و چه فرهنگی، در میان زنان و به تعبیر کلی‌تر در میان انسان‌ها ایجاد کرده

است. این وضعیت نشان از آن دارد که در جامعه‌ای مانند ایران، با وجود آنکه قوانین و مصوبات موجود حقوقی را برای زنان به رسمیت شناخته‌اند، عملاً همه زنان در برخورداری از این حقوق با یکدیگر برابر نیستند و ریشه این نابرابری به فقر بازمی‌گردد؛ و این مقوله جدا از نابرابری‌های میان زنان و مردان در این جامعه است.

منابع:

- پایگاه اطلاع‌رسانی دولت. (۱۳۹۵). بازیابی در: <http://dolat.ir/detail/286714>
- پیران، پرویز. (۱۳۷۶). «شهر شهروندمدار ۳». اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۲۵-۱۲۶.
- شادی‌طلب، ژاله. (۱۳۷۶). «بازتاب تلاش‌های بین‌المللی در جامعه روستایی ایران». وزارت کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و پشتیبانی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

Bebbington, A.J., S. Hickey, and D. Mitlin. (2008). *Can NGOs make a difference? The challenge of development alternatives*. London: Zed Books.

Fraser, N., and L. Gordon. (1992). "Contract versus charity". *Socialist Review* 22 (3): 45-67.

Orloff, A.S. (1993). "Gender and the social rights of citizenship: The comparative analysis of gender relations and welfare states". *American Sociological Review* 58 (3): 303-328.

Walby, S. (1994). "Is citizenship gendered?". *Sociology* 28 (2): 379-395.